



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۳/۱۱/۲۳

پوهاند نصرالله «ستانکزی»

قانونگذاری معارف معاصر افغانستان

(از ۱۲۹۸ خورشیدی تا امروز)

بخش ششم

جمهوری دموکراتیک افغانستان (۱۳۵۷ - ۱۳۶۶ خورشیدی)

بعد از آن که در نتیجه کودتای ثور ۱۳۵۷ خورشیدی جمهوری افغانستان تحت زعامت محمد داؤد خان سقوط نمود و جمهوری دموکراتیک افغانستان تاسیس شد سندی تحت نام خطوط اساسی ووظایف جمهوری دموکراتیک افغانستان به تاریخ ۱۸ ثور همان سال توسط نورمحمدترکی ریس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پخش گردید. در این سند در باره معارف آمده بود که: «تأمین تعلیمات ابتدایی عمومی، اجباری و رایگان برای تمام اطفال. که به سن تحصیل رسیده اند و ایجاد کلیه شرایط برای مبارزه موثر علیه بی سوادی بسط تعلیمات متوسط عالی و حرفه ای رایگان بمنظور پرورش کادر های علمی و فنی مورد نیاز تکامل اقتصادی کشور و تجدید نظر بر کلیه پروگرام های درسی در مکاتب و موسسات تعلیمات عالی به تعقیب آن اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در شش فصل و ۶۸ ماده در بهار سال ۱۳۵۹ خورشیدی نافذ گردید؛ این اصول اساسی که در آن زمان جانشین قانون اساسی تلقی می گردید؛، در فقره ۵ ماده ۲۹ خویش وظایف دولت را در خصوص حق تحصیل؛ را چنین بیان نموده بود: «دولت جهت رشد و تکامل معارف ملی و مترقی، امحای بی سواد، تعلیم به زبان مادری، رشد و توسعه تعلیمات رایگان متوسط، عالی، مسلکی و تخنیکی تدابیر اتخاذ می کند»

در فرمان مورخ ۱۵، قوس ۱۳۶۱ خورشیدی هیت ریسه انقلابی جمهوری دموکراتیک که در خصوص اعطای مدالی به نام صداقت اصدار یافته در زمره سایر اشخاص خدمتگزاران معارف با متن ذیل در یکی از ماده های آن صراحت وجود داشت: «مدال صداقت به اتباع جمهوری دموکراتیک افغانستان در برابر خدمات شایسته در راه انکشاف و تحکیم اقتصاد ملی، فرهنگ ادبیات و هنر ملی، موفقیت ها در رشد معارف و صحت عامه، موفقیت در امر تربیه کدر ملی، خدمات در راه حفظ دستاورد های انقلابی و فعالیت موفقیت آمیز دولتی و اجتماعی اعطا میگردد این مدال به اتباع خارجی نیز اعطا شده می تواند»

در سال ۱۳۶۵ خورشیدی اساسنامه مکاتب تعلیمات عمومی در هفت فصل به ترتیب ذیل: احکام عمومی، اساسات سازماندهی فعالیت های تعلیمی و تربیوی، شاگردان، معلم، نگران، معلم لیلیه، اداره کننده مکاتب، امور تعمیراتی و مالی مکاتب و احکام نهایی در ۶۰ ماده نافذ گردید، به موجب آن اساسنامه تمامی مکاتب تعلیمات عمومی در چارچوب سیستم تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت می نمودند و بطور ذیل تصنیف شده بودند: مکاتب ابتدایی از صنف اول الی صنف پنجم، متوسطه از صنف اول الی صنف هشتم و ثانوی از صنف اول الی یازدهم. به موجب ماده سوم آن اساسنامه تعلیمات ابتدایی برای همه اتباع رایگان و اجباری در نظر گرفته شده بود به اساس آن اساسنامه مهم ترین مکلفیت های مکاتب طور ذیل تصریح گردیده بود: «تربیه شاگردان است که در آینده می توانند کارگران، دهقانان، روشنفکران پیشرو، مدافعین آگاه میهن و وطنپرستان واقعی باشن»

ماده ششم اساسنامه مذکور در مورد زبان تدریس چنین مشعر بود: «در مکاتب ابتدایی تدریس به زبان مادری صورت می گیرد. اولیای شاگردان حق دارند زبان آموزش را برای اطفال شان انتخاب نمایند. زبان های پشتو یا دری بحیث زبان دومی از صنف سوم تدریس می گردد. از صنف ششم دروس مکاتب به یکی از زبان های پشتو یا دری پیش برده شده و زبان مادری بحیث زبان و ادبیات درس داده می شود.»

د پاپو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولی

آن اساسنامه معارف را به طرف سیاسی شدن از طریق یک سند تقنینی سوق می داد؛ چنانچه در زمره وظایف مدیر مکتب یکی هم کنترل و نظارت از وضعیت ایدیالوژیکی و سیاسی مکتب تحت مدیریت او بود؛ فقره ۲ ماده ۴۴ اساسنامه مذکور چنین مشعر بود: «کنترول و نظارت از خصلت سیاسی و ایدیالوژیک درسی، کیفیت دانش رفتار و کردار شاگردان، محتوا سازماندهی کار تربیوی خارج از صنف.»

بعد از آن که پالیسی مبارزه با بی سوادی جمهوری دموکراتیک افغانستان در مرحله اول به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق افغانستان؛ که شکل اجباری برای ذکور و اناث را داشت با عکس العمل مواجه شد؛ به تاریخ ۱۳ حمل ۱۳۵۹ خورشیدی فرمان ریاست شورای انقلابی در هشت ماده نافذ گردید. در ماده دوم آن فرمان می خوانیم: «تمام نفوس ذکور کشور از ده ساله تا پنجاه ساله در مرحله اول آن قسمت نفوس که در ساحه اقتصادی فعالیت می نمایند و از نعمت سواد محرومند؛ موظفند تا نظر به خواهش خود به زبان مادری و یا زبان دیگر کشور سواد بیاموزند. امحای بی سوادی بین اقشار نسوان کشور جدا به صورت اختیاری انجام می گیرد.»

نا گفته نماند که محو بی سوادی در کشور به اساس آن فرمان در شهرها الی ۱۹۸۷ د روستاها الی ۱۹۹۰ پیش بینی گردیده بود.

در ۱۵ ثور ۱۳۶۱ خورشیدی مقرر وزارت تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان به ترتیب فصول ذیل در ۲۰ ماده در جریده رسمی نشر و نافذ گردیده بود: احکام عمومی، وظایف و صلاحیت ها، تشکیل و تنظیم فعالیت و احکام متفرقه.

هدف از موجودیت وزارت تعلیم و تربیه در ماده سوم آن مقرر قرار ذیل بیان گردیده بود: «وزارت تعلیم و تربیه جمهوری دموکراتیک افغانستان مسوول انکشاف پیشرفت آینده سیستم تعلیم و تربیه بوده اعتلای کیفیت آموزش و پرورش اطفال و جوانان در مکاتب تعلیمات عمومی، مدارس دینی، کودستانها، موسسات خارج مکتب، تربیه معلمان در موسسات تربیه معلم و تربیت بدنی تامین کادرهای پیداکوژی کلیه موسسات تعلیمی و تربیوی، انکشاف علوم پیداکوژی و سواد اموری را به عهده دارد»

در شماره مسلسل ۵۰۱ جریده رسمی ۱۵ دلو ۱۳۶۰ خورشیدی مقرر تنظیم اجراءات و فعالیت های وزارت تحصیلات عالی مسلکی جمهوری دموکراتیک افغانستان در چار فصل و ۲۶ ماده نافذ گردید. در این مقرر این وزارت رهبری کننده تحصیلات عالی و مسلکی تعریف گردیده بود و به اساس ماده پنجم آن تشکیلات وزارت تحصیلات عالی و مسلکی ج. د. ا چنین معرفی گردیده بود: «وزارت تحصیلات و مسلکی را ادارات مرکزی، پوهنتون کابل، پوهنتون ننگرهار، انستیتوت پولی تخنیک، تدریسات مسلکی تشکیل می دهد»

در سال ۱۳۶۱ خورشیدی مقرر مکاتب تخنیکی حرفوی در جمهوری دموکراتیک افغانستان در پنج فصل و ۳۶ ماده در جریده رسمی نشر گردید، در آن مقرر مکاتب تخنیکی چنین تعریف شده بود: «مکاتب تخنیکی حرفوی موسسات تعلیمی دولتی است که بمنظور تربیه کارگران ماهر نظر به احتیاج کشور تاسیس میگردد.»

منظور از تاسیس این مکاتب مطابق این مقرر در ماده سوم آن چنین پیش بینی شده بود: «هدف مکاتب تخنیکی حرفوی تربیه کارگران ماهر در رشته های مختلف اقتصادی به شکل پلان شده است.»

هم چنان در همان سال مقرر موسسات تعلیمات مسلکی جمهوری دموکراتیک افغانستان در هشت فصل و ۶۲ ماده نافذ گردید. این موسسات تعلیمی مسلکی به منظور تربیه کدرهای مسلکی به سطح بکلوریا و فوق بکلوریا تاسیس می گردیدند. ماده چارم آن مقرر در خصوص چگونگی تاسیس موسسات فوق الذکر چنین مشعر بود: «تربیه کدرهای مسلکی در موسسات تعلیمی در رشته های صورت می گیرد که از طرف وزارت تحصیلات عالی و مسلکی جمهوری دموکراتیک افغانستان به اساس ضرورت قوای بشری مملکت، که طبق احتیاج سایر وزارت خانه ها از طرف کمیته دولتی پلان گذاری جمهوری دموکراتیک افغانستان با در نظر داشت رشد بعدی موسسه تعلیمی و شرایط بخصوص محلی تثبیت گردیده، تعیین می شود.»

به همین منوال در شماره مسلسل ۵۱۰ جریده رسمی مقرر موسسات تحصیلات عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان در یازده فصل و ۵۳ ماده نشر و نافذ گردیده بود؛ به موجب آن مقرر موسسات تحصیلات عالی شامل پوهنتون ها، انستیتوت ها و آکادمی ها می گردید که کادرها را به درجات لیسانس، مافوق لیسانس، ماستر و سپرانتور تربیه می نمود

در این مقرر فصول ذیل گنجانیده شده بود: احکام عمومی، محصلان، کدرها استادان، پرسونل معاونه تدریسی و اداری، امور تدریسی، علمی و میتودیکی، فعالیت های تحقیقات علمی، صلاحیت ها، تشکیل، اداره و رهبری، سازمان های اجتماعی، دارایی و وسایل و احکام متفرقه.

در سال ۱۳۵۹ خورشیدی مقرر تحت عنوان مقرر اعضای کدر علمی پوهنتون های وزارت تحصیلات عالی جمهوری دموکراتیک افغانستان در شماره مسلسل ۴۶۷ جریده رسمی نشر گردیده و هدف آن تنظیم شرایط جذب

کادر علمی ، رتب ، امتیازات و وظایف ان ها بود ، به موجب آن مقررہ رتب اعضای کادر علمی به ترتیب ذیل پیش بینی گردیده بود : پوهاند (پرفیسور) ، پوهنوال و پوهندوی (اسوشیت پروفیسور) ، پوهنمل ، پوهنیار و پوهیالی (اسیستانت) . که نظر به رتب علمی فوق تمامی حقوق و مکلفیت اعضای کادر علمی مشخص شده بود در زمره مقررہ های نافذہ سکتور معارف ایندوره؛ مقررہ کدر فنی مکاتب و موسسات تعلیمات مسلکی نیز به نظر می رسد . آن مقررہ به منظور تنظیم امور تدریسی و اداری و مالی مربوط به اعضای کدر فنی تدریسی مکاتب و موسسات مسلکی وضع گردیده بود .

ادامه دارد

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په خیر و لولئ